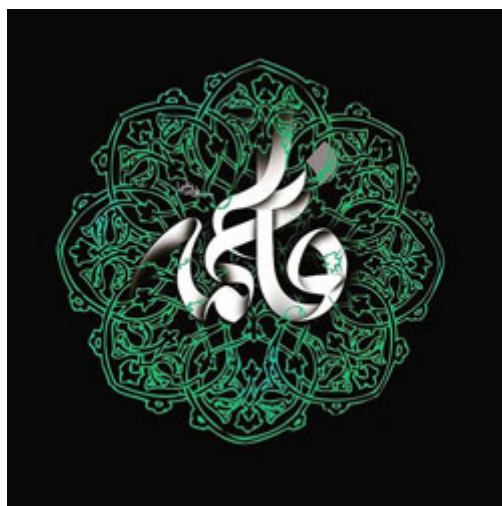




مقدمه

هر زائر شیعی، از هر نقطه دنیا که وارد مدینه منوره می گردد، پس از زیارت قبر مطهر حضرت رسول (ص) و اقامه نماز در مسجد آن حضرت و پس از زیارت قبور پاک ائمه بقیع علیهم السلام و سایر قبور متعلق به اقوام و عشیره پیامبر اکرم (ص) عازم زیارت بیت الاحزان می شود، به این امید که اگر به قبر مطهر زهرای مرضیه سلام الله علیها دسترسی ندارد، آن حضرت را در محل دیگری که به وی منتسب است زیارت کند و اگر نمی تواند که صورت خود را به خاک قبر یگانه یادگار رسول خدا بگذارد و ضریح مقدس آن حضرت را با اشک دیده بشوید، حداقل در جایگاهی که دخت گرامی پیامبر (ص) پس از رحلت پدر بزرگوارش و در ایام آخر عمرش هر روز چند ساعت از وقت خویش را در آنجا به عبادت و گریه و ناله سپری نمود، نماز بخواند و به یاد اشک های آن حضرت اشک بریزد. اما اینک نه از چنین محلی خبری است و نه از بیت الاحزان در بقیع، اثری.

آیا اصلاً بیت الاحزان در حقیقت وجود دارد یا یک موضوع موهوم و خیالی بوده و بجز در لسان بعضی از خطبا و گویندگان وجود خارجی نداشته است؟!

در این مقاله برآنیم که با مطالعات کم و ناقص خود، محل واقعی و تاریخ ساختمان بیت الاحزان را، تا آنجا که از کتب حدیث و تاریخ به دست می آید و گفتار کسانی را که در طول تاریخ و از قرن اول تا دوران تخریب، از نزدیک این بیت حزن را زیارت کرده و شاهد ساختمان آن بوده اند در اختیار خواننده ارجمند قرار دهیم تا معلوم شود که بیت الاحزان یک واقعیت غیر قابل انکار و یک حقیقت فراموش نشدنی است، اگر چه ساختمان آن ویران گردیده و درگوشه بقیع، از بیت الاحزان اثری باقی نمانده است. منابع حدیثی و تاریخی متقن از محدثان، مورخان، نویسندگان معروف و دانشمندان مشهور از شیعه و اهل سنت در طول تاریخ آن را تأیید و تثبیت نموده اند که اینک نمونه هایی از روایات و اعتراف مورخان را از نظر خوانندگان می گذرانیم.

بیت الاحزان در منابع حدیثی

از جمله منابع حدیثی که در آن از انگیزه به وجود آمدن بیت الاحزان سخن به میان آمده، خصال شیخ صدوق ره می باشد که آن محدث بزرگ، در ضمن روایتی با اسناد از امام صادق (ع) نقل می کند:

«و اما فاطمة فبکت علی رسول الله حتی تأذی بها اهل المدينة فقالوا لها قد آذیتنا بکثرة بکائک فکانت تخرج الی المقابر...» (1)

صریح تر و روشن تر از روایت صدوق، گفتار فضه (خادمه حضرت زهرا سلام الله علیها) است که مرحوم علامه مجلسی در ضمن بیان جریان مفصل شهادت حضرت زهرا از زبان فضه، چنین نقل می کند که:

«ثم انه بنی لها بیتاً فی البقیع نازهاً عن المدینه». (2)

«امیر مؤمنان (ع) برای فاطمه، در بقیع و در خارج مدینه، خیمه ای را بپا داشت که آن حضرت به همراه حسنین بدانجا می آمد و پس از گریه طولانی به خانه اش مراجعت می نمود».

توضیح اینکه: بطوریکه در کتب لغت آمده است، «بیت» در لغت به معنای «محل و مسکن» است خواه به شکل چادر باشد یا خانه ای از خاک و گل (3) و بطوری که در آینده نیز خواهیم دید، اولین بیت و مسکنی که برای فاطمه زهرا در بقیع ساخته شده، بصورت چادر و خیمه بوده است.

بیت الاحزان از نظر علما و مورخان

عده ای از علمای بزرگ و شخصیت های علمی که در تاریخ مدینه و یا درباره زیارت بقیع مطلبی نوشته اند، از بیت الاحزان نیز سخن گفته و وجود آن را تأیید و تثبیت نموده اند که نظرات چند تن از آنان را به ترتیب تاریخ زندگی آنان، می آوریم:

1. ابن شبه نمیری 173، 262

قدیمی ترین تاریخ موجود 4 در باره مدینه منوره، تاریخ المدینه، تألیف ابوزید عمر بن شبه النمیری (5) است. او که یکی از شخصیت های علمی و از فقها و محدثان مورد وثوق و از مورخان مورد اعتماد، نزد علما و دانشمندان اهل سنت است، در کتاب خود، آنجا که آثار و قبور بقیع موجود در زمان خودش را معرفی می کند، چنین می نویسد:

«شخص موثق و مورد اعتمادی بر من نقل نمود مسجدی که در طرف شرقی آن به جنازه اطفال نماز خوانده می

شود، دراصل خیمه ای بوده برای زن سیاهی بنام «رقیه» (6) که به دستور حسین ابن علی (ع) در آنجا می نشست تا از قبر فاطمه (ع) مراقبت کند زیرا قبر فاطمه را کسی بجز همان زن نمی شناخت. (7) از این گفتار ابن شبه که مشهود و مسموع خود را در مورد بیت الاحزان نقل نموده است، دو مطلب زیر بوضوح به دست می آید:

- 1- بیت الاحزان در دوران حسین بن علی (ع) یعنی تا سال 61 هجری، مانند حال حیات حضرت زهرا سلام الله علیها بصورت خیمه و چادر و محلی بوده است مشخص و معین و حسین بن علی ع بر حفظ آن عنایت و اهتمام داشته؛ بطوری که یکی از بانوان و ارادتمندان حضرت زهرا سلام الله علیها را مأموریت داده است، در این بیت و خیمه که یادآور دوران حساس زندگی مادر بزرگوارش بوده، اقامت نموده و از آنجا حراست و نگهبانی کند و لابد براساس همین دید و اهتمام و به پیروی از روش آن حضرت، افرادی از اهل بیت عصمت پس از آن حضرت نیز همین روش را ادامه داده و خیمه را به ساختمان مبدل نموده اند.
- 2- بیت الاحزان پس از این دوران و در اواخر قرن دوم و اوائل قرن سوم، دارای ساختمان بوده که ابن شبه را وادار نموده است کم و کیف و انگیزه بوجود آمدن این ساختمان را از افراد خبیر و مطلع جویا شود و یکی از افراد مطلع و مورد وثوق نیز تا آنجا که در این مورد اطلاع داشته با وی در میان گذاشته است و سابقه آنجا را که زمانی بصورت خیمه بوده، بازگو نموده است و لیکن این خیمه دقیقاً در چه تاریخی و به وسیله چه کسی به ساختمان تبدیل شده، معلوم نیست.

توجیه متناقض

و اما مطلب دیگری که در ذیل این گفتار آمده است، اقامت آن زن در میان بیت الاحزان برای حفظ و مراقبت قبر حضرت زهرا سلام الله علیها بوده است، تعلیلی است از سوی خود وی و توجیهی است متناقض و غیر قابل قبول؛ زیرا: اولاً خود ابن شبه در این کتاب، مانند عدّه دیگر از مورخان می گوید که علی بن ابی طالب ع پیکر مطهر حضرت زهرا س را شبانه و در داخل منزل خود دفن نمود؛ بنابراین، مراقبت از قبر آن حضرت در بقیع مفهومی ندارد.

و ثانیاً اگر قبر آن حضرت در بقیع واقع بوده و کسی بجز «رقیه» آن را نمی شناخته، باز هم مراقبت از قبر مجهول، معنا و مفهومی ندارد.

بهرحال با توجه به شرایط خاص و حساس آن روز، ابهام در پاسداری از بیت الاحزان و توجیهات مختلف در اقامت یک زن در داخل آن، مستبعد نیست.

2. فتوای امام غزالی بر استحباب خواندن نماز در بیت الاحزان

امام ابومحمد غزالی 450، 505 که یکی شخصیت های معروف و از علما و دانشمندان اهل سنت است، در ضمن بیان وظایف زائران مدینه منوره و کسانی که به زیارت بقیع مشرف می شوند می گوید: «مستحب است که زائران، هر روز صبح، پس از زیارت قبر حضرت رسول (ص) در بقیع حضور بهم رسانند و قبور پیشوایان دینی و صحابه را که در آنجا مدفون هستند زیارت کنند». سپس می گوید: «و مستحب است در مسجد فاطمه علیها سلام نیز نماز بخوانند». (و يستحب ان يخرج كل يوم الى البقيع بعد السلام على رسول الله ... و يصلي في مسجد فاطمه رضی الله عنها). (8)

3 ابن جبیر، جهانگرد معروف و دانشمند اسلامی 540، 614

سومین کسی که بیت الاحزان را از نزدیک زیارت و در باره آن سخن گفته است، رحاله و جهانگرد معروف اسلامی ابوالحسین احمد بن جبیر اندلسی (9) است. او که در ماه محرم سال 580 ه.ق. وارد مدینه شده و بقیع را زیارت نموده است، می گوید: «و در کنار قبه عباسیه، خانه ای قرار گرفته است که به فاطمه دختر رسول خدا (ص) منتسب می باشد، می گویند این همان خانه ایست که فاطمه زهرا به آنجا می آمد و در آنجا اقامت و حزن و اندوه خود را در مرگ پدر بزرگوارش ابراز می نمود». (10)

4. سمهودی، 844، 911 (11)

چهارمین شخصیت و مورخی که وجود بیت الاحزان را تأیید و تثبیت نموده است؛ مقتدا و پیشوای مورخان، نورالدین علی بن احمد سمهودی مصری است؛ شخصیتی که پس از وی هیچ مورخ و نویسنده ای در باره مدینه کتابی ننوشته و هیچ گوینده و خطیبی، از تاریخ مدینه سخن نگفته، مگر اینکه به گفته او استناد جسته و از کتاب «وفاءالوفا» استمداد نموده است. او می گوید:

«والمشهور ببیت الحزن انما هو الموضع المعروف بمسجد فاطمة في قبلة مشهد الحسن و العباس».

«مشهور در بیت الاحزان، همان محلی است که به مسجد فاطمه معروف و در طرف قبله حرم (امام) حسن و (جناب) عباس واقع گردیده است».

آنگاه می گوید: «واظنه في موضع بيت علي بن ابي طالب الذي كان اتخذ بالبقيع و فيه اليوم هيأة قبور». (12)
«و به عقیده من، این بیت الاحزان در محل همان بیت و مسکنی است که علی بن ابی طالب ع آن را در بقیع آماده ساخت». و اضافه می کند که فعلاً در میان آن، شکل چند قبر نیز موجود است.

5. سِر ریچار بورتون

1853 میلادی = 1276 قمری

یکی از جهانگردان غربی که به مکه و مدینه مسافرت نموده (13) و در سیاحتنامه خود از آثار و ابنیه حجاز و از اخلاق و رسوم مسلمانان در موسم حج و از جزئیات زندگی مردم حجاز سخن گفته است. از جمله حرم ها و گنبد ها و بارگاه های موجود در بقیع را معرفی و با قلم خود ترسیم و تصویر نموده است. «سِر ریچار بورتون» جهانگرد انگلیسی است که در سال 1853 میلادی تقریباً 139 سال قبل بقیع را از نزدیک مشاهده نموده و در باره بیت الأحزان چنین گفته است: «در بقیع مسجد کوچکی است که در سمت جنوبی گنبد عباس بن عبدالمطلب واقع گردیده و این مکان را بیت الأحزان نیز می نامند؛ زیرا فاطمه زهرا آخرین روزهای عمر خویش را در این محل بسر می برد و برای از دست دادن پدر عزیزش نوحه سرایی می نمود. (14)

مطالبی که از آقای بورتون نقل شد، دلیل روشنی بر مشخص بودن ساختمان بیت الأحزان در زمان وی و اشتها و وجه تسمیه و انگیزه ایجاد آن می باشد که یک جهانگرد انگلیسی و غیرمسلمان در اندک زمان و با مختصر تماس با مسلمانان توانسته است همه این مطالب را همانگونه که در منابع محکم تاریخی و حدیثی آمده است، دریافت و درسیاحتنامه خود منعکس نماید.

6. فرهاد میرزا 1292 هـ (15)

فرهاد میرزا معتمدالسلطنه که در 18 ذیقعه 1292 هـ به زیارت بقیع نائل گردیده، پس از بیان زیارت حرم ائمه بقیع و نثار فاتحه بر قبور علما که در کنار این حرم مطهر واقع بودند، می گوید: «از آنجا به بیت الأحزان رفتم و از آنجا به زیارت حلیمه سعدیه...» (16)

بیت الاحزان در آستانه تخریب

تا اینجا همراه با تاریخ بیت الأحزان از بدو پیدایش آن، تا اواخر قرن سیزده (1292)، قرن به قرن حرکت نمودیم. اینک در قرن چهاردهم هجری و در آستانه تخریب بیت الأحزان که در سال 1344 هـ واقع گردیده است قرار گرفته ایم. در این برهه محدود و مدت کمتر از نیم قرن، از میان میلیون ها زائر بیت الأحزان، تعدادی از علمای برجسته و نویسندگان را می بینیم که در تألیفات خود از بیت الأحزان سخن به میان آورده و از این بنای تاریخی و اثر فراموش نشدنی یاد نموده اند، از جمله:

1. ابراهیم رفعت پاشا (17)

نویسنده و امیرالحاج مصری است که برای آخرین بار در سال 1325 هـ بقیع را زیارت کرده و مشاهدات خود را در باره بیت الأحزان چنین نقل می کند:

«و هناك قبة تسمى قبة الحزن يقال انها في البيت الذي آوت اليه فاطمه بنت النبي (ص) والتزمت الحزن فيه بعد وفات ابيها رسول الله (ص) و كان في البقيع قباب كثيرة هدمها الوهابيون». (18)

«در بقیع، گنبد دیگری نیز وجود دارد که «قبة الحزن» نامیده می شود و می گویند که این گنبد در بالای همان محل ساخته شده است که فاطمه ع پس از رسول خدا (ص) بدانجا می آمده و حزن و اندوه خود را ابراز می نموده است، سپس می گوید در بقیع گنبدهای زیادی بود که وهابی ها از بین برده اند».

2. حاج سید احمد هدایتی:

یکی دیگر از کسانی که در آستانه تخریب بیت الأحزان و پنج سال قبل از این حادثه تأسف بار، بیت الأحزان را زیارت نموده و در سفرنامه خود به نام «خاطرات مکه» منعکس نموده است، مرحوم حاج سید احمد هدایتی یکی از سادات مکرم و از اولاد محترم رسول اکرم (ص) است که وی ضمن بیان موارد و نقاط مختلفی که حضرت زهرا سلام الله علیها را زیارت نموده است، می گوید: «پنجم در بیت الأحزان که در قبرستان بقیع واقع است». (19)

3. سید شرف الدین قدس سره 1290، 1377:

مرحوم علامه، سید عبدالحسین شرف الدین، (20) سومین کسی است که بیت الأحزان را پنج سال قبل از تخریب، زیارت و به تناسب بحثی در کتاب خود «النص و الاجتهاد» به این مطلب تصریح نموده است که گفتار او را بعنوان «خاتمه مسک» می آوریم:

«... سپس علی بن ابی طالب در بقیع محلی را آماده ساخت که فاطمه زهرا برای گریه کردن، بدانجا می آمد و بیت الأحزان نامیده می شد و شیعیان در طول تاریخ این بیت را همانند مشاهد و حرم های مقدس زیارت می نمودند تا اینکه در این ایام که سال 1344 هـ است، ملک عبدالعزیز بر سرزمین حجاز مسلط و با دستور وی بر اساس پیروی اش از وهابگیری، منهدم گردید و در سال 1339 هجری که خداوند توفیق سفر حج و زیارت پیامبر و مشاهد اهل بیتش در بقیع را بر من عنایت فرمود، بیت الاحزان را زیارت کردم».

(... و کتا سنة 1339 تشرفنا بزيارة هذا البيت (بیت الاحزان) ... فی البقیع...). (21)

خلاصه و نتیجه

این بود اجمالی از تاریخ بیت الأحزان و طبعاً کسانی که دارای فراغت کافی و دسترسی به منابع بیشتری دارند، می توانند مطالب ارزنده و نکات جالب تری در اختیار علاقه مندان قرار دهند. و اینک مطالب گذشته را به صورت چند نکته خلاصه و نتیجه گیری می کنیم:

1. بیت الأحزان، از دوران حیات حضرت زهرا سلام الله علیها تا سال 1344 هـ، محلی بوده است مشخص و معین که شیعیان با پیروی از روش حسین بن علی ع در طول تاریخ به این بیت اهمیت خاصی قائل بوده و آنجا را همانند سایر مشاهد و حرم ها زیارت و در آنجا به نماز و عبادت می پرداختند و حتی امام غزالی اهل سنت نیز به نماز خواندن در این محل تشویق و توصیه نموده است.

2. بیت الأحزان در زمان حسین بن علی ع دارای چادر و خیمه بوده و سپس به ساختمان مبدل گردیده است که هنگام تخریب دارای گنبد بوده است.

3. بیت الأحزان در اصطلاح عامه، گاهی به «مسجد فاطمه» و گاهی با هر دو نام و گاهی نیز به «قبة الحزن» نامیده شده و طبعاً نویسندگان نیز از هر سه نام مصطلح، استفاده نموده اند، ولی آنچه مسلم است بیت الأحزان هیچگاه بعنوان یک مسجد واقعی شناخته نشده است و وجود چند قبر در داخل آن که سمهودی اشاره نموده، دلیل و مؤید این معنا است. مؤید دیگر اینکه: در تألیفات مدینه شناسان، مانند «اخبار مدینه» ابن نجّار، متوفای 643 هـ، و «وفاء الوفا»ی سمهودی متوفای 911 هـ، و «عمدة الاخبار» احمد بن عبدالحمید عباسی، متوفای قرن دهم هجری که همه مساجد موجود در داخل و خارج مدینه را معرفی نموده اند، از مسجدی به نام مسجد فاطمه ذکری به میان نیامده است.

5. نکته مهم اینکه: بنابر مضمون روایات، بیت الأحزان، در داخل بقیع بوده و همه مورخان بدون استثنا بر همین معنا تصریح و اضافه می کنند که در سمت جنوبی و در مجاورت حرم ائمه اهل بیت علیهم السلام قرار داشته است. بنابراین محلی که در سال های اخیر در خارج بقیع، به نام بیت الأحزان معروف گردیده، با واقعیات تطبیق نمی کند و منابع حدیثی و تاریخی آن را تأیید نمی نماید. در ملاقات های مکرری که با آقای عمروی 22 شیخ العلمای حجاز در سال های 52 55 شمسی در مدینه منوره داشتم، به همین معنا تأکید و محل فعلی را موضوعی بی اساس و عملی عوامانه معرفی می نمودند.

پاورقی ها:

1. خصال ابواب الخمسه وسائل الشیعه، ج 2، ص 922، باب 87 از ابواب دفن.

2. بحارالانوار، ج 43، ص 177.

3. البیت المسکن سواء کان من شعر او مدر اقرب الموارد.

4. قدیمی تر از این کتاب، تاریخ المدینة ابن زبالة است که وی در سال 199 در قید حیات بوده و در کتاب هائی که تا قرن دهم در تاریخ مدینه تألیف گردیده، از جمله در وفاء الوفا، از تاریخ ابن زبالة مطالب فراوان نقل شده است ولی متأسفانه از این کتاب در قرن های اخیر خبری نیست.

5. ابوزید عمر بن شبه نمیری فقیه و محدث و مورخ نامی در سال 173 متولد و در سال 262 وفات نموده است. در شرح حال ابن شبه چنین نوشته اند، او شخصی است ادیب، فقیه، مورخ، صادق و دقیق، عالم به آثار، ناقل اخبار و صاحب تألیفات بسیار و... ابن ندیم از وی 18 کتاب معرفی می کند. در شرح حال او به فهرست ابن ندیم وفيات الاعیان، تاریخ بغداد، تهذیب الأسماء و اللغات، تذکرة الحفاظ و لسان المیزان مراجعه شود. تاریخ ابن شبه برای اولین بار در سال 1399 هـ . با تحقیق فهیم محمد شلتوت در چهار جزء و 1396 صفحه در عربستان سعودی چاپ و اخیراً در قم افست گردید. قسمت مهم جلد سوم و چهارم این کتاب به شرح زندگانی و حوادث دوران خلافت عثمان اختصاص یافته است که دلیل هواداری و علاقه شدید او به عثمان است.
6. ابن حجر عسقلانی (در اصابة) ج 3، ص 305 با استناد به همین مطلب ابن بانو را نیز در ردیف سایر زنان، یکی از صحابه رسول خدا معرفی نموده است.
7. واخبرنی خبر ثقة قال یقال ان المسجد الذی یصلی جنبه شرقیاً علی جناز الصبیان کان خیمة لامرئة سوداء یقال لها رقیة کان جعلها هناک حسین بن علی علیه السلام تبصر قبر فاطمه علیها السلام و کان لایعرف قبر فاطمه رضی الله عنها غیرها. تاریخ المدینه ج 1، ص 106.
8. احیاء العلوم، ج 1، ص 260.
9. ابن جبیر از علمای اندلس و در علم فقه و شعر و نویسندگی از بارزترین دانشمندان دوران خویش و از معروفترین و قدیمی ترین جهانگردان اسلامی است، او رحله و سیاحتنامه خود را چنین نامیده است: «تذکرة بالاخبار عن اتفاقات الأسفار» این کتاب قبلاً در لیدن و اخیراً در بیروت چاپ شده است. در شرح حال ابن جبیر، رجوع شود به دائرة المعارف اسلامی، ج 3، ص 204 و مقدمه رحله، چاپ لبنان والکنی و الألقاب، ج 1، ص 232.
10. ویلی هذه القبة العباسية بیت ینسب لفاطمة بنت الرسول (ص) یقال انه الذی آوَتْ الیه والتزمت فیہ الحزن علی موت ابیها المصطفی (ص) رحله ابن جبیر چاپ لیدن، صفحه 196 و چاپ دارالکتب اللبنانی صفحه 144.
11. علما و دانشمندان سمهودی را چنین معرفی نموده اند: «الشیخ نورالدین علی بن احمد سمهودی مصری شافعی، شخصیت دانشمند و مفتی مدینه، مدرس و مورخ این شهر، پیشوا و مقتدای مورخان. سلسله نسبش به حسن مثنی فرزند امام مجتبی ع منتهی می شود. او به سال 844 در سمهود مصر متولد و پس از تحصیلات و حفظ نمودن قرآن و نیل به مدارج علمی، در فنون مختلف از سال 873 در مدینه منوره متوطن و از اساتید بزرگ حرم شریف نبوی (ص) گردید. وی در تاریخ مدینه منوره سه کتاب نوشته است که یکی مفصل و جامع الأطراف بنام «اقتفاء الوفا باخبار دارالمصطفی» است که در حادثه آتش سوزی مسجد نبوی در ماه رمضان سال 886 هـ از بین رفته است. دومی «وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی» کتابی است که به قول خود سمهودی به درخواست کسی که «طاعته غنم و مخالفته غرم» مطالب کتاب قبلی را در این کتاب تلخیص نموده است، ولی در عین حال دارای گسترده ترین و دقیقترین مطالب در تاریخ مدینه می باشد که در هیچ یک از منابع دیگر نمی توان به دست آورد. این کتاب در دو جلد و در 1435 صفحه چاپ شده است. و سومی «خلاصة الوفا» است و مطالب «وفاء الوفا» را در این کتاب تلخیص نموده و ا
- ین کتاب نیز چاپ شده است. سمهودی دارای تألیفات متعدد دیگری نیز می باشد. وفات وی در سال 911 هـ در مدینه واقع گردید. در شرح حال او به شذرات الذهب، اعلام زرکلی، والکنی و الالقاب مراجعه شود.
12. وفاء الوفا، ج 3، ص 918.

13. در طول تاریخ تعداد زیادی از جهانگردان غربی در قیافه مسلمانان و در زی حجاج وارد مکه و مدینه گردیده اند و اکثر آنان نیز که از نویسندگان بوده اند، توانسته اند مشاهدات و برداشت های خود را به صورت کتاب و سفرنامه در اختیار دیگران قرار دهند، گرچه بعضی از این نوشته ها و برداشت ها توأم با مطالب خلاف واقع و نادرست و همراه با اغراض و تعصّب است، ولی در عین حال، می توان مطالب و نکات ارزشمند و پربها نیز از آنها بدست آورد که یکی از جهانگردان همان «ریچارد بورتون» انگلیسی است که در سال 1853 میلادی به صورت یک مسلمان افغانی به نام «عبدالله» به مکه و مدینه مسافرت کرده و در تمام مراسم حج شرکت و از همه اماکن و بقاع متبرّکه دیدن نموده و به همه جزئیات پرداخته است و سفرنامه خود را در دو جلد بزرگ منتشر ساخته است. موسوعة العتبات المقدسه، ج 3، ص 260 .

14. موسوعة العتبات المقدسه، ج 3، ص 285 .

15. فرهاد میرزا معتمدالسلطنه متوفای 1305 ه در میان شاهزادگان قاجار، از نظر علمی دارای شخصیت بارزی است که از وی شش جلد کتاب، در فنون مختلف به جای مانده از جمله آنها «قمقام ذخار» در مقتل و «هدایة السبیل» که سفرنامه حج اوست و هر دو کتاب در موضوع خود در زبان فارسی از بهترین کتاب ها به شمار می رود.

16. هدایة السبیل چاپ مطبوعاتی علمی تهران، ص 141 .

17. ابراهیم رفعت پاشا، در سال 1318 ق فرمانده نگهبانان محمل مصری و در سال 1320 و 21 و 25 به عنوان امیرالحاج از طرف خدیو مصر به حج مشرف شده و خاطرات خود را به نام مرآت الحرمین نگارش نموده است. این کتاب به نوبه خود یکی از کتاب های سودمند که در دو جلد در مصر چاپ و در اولین سال پیروزی انقلاب اسلامی در قم افست